



گفت‌وگو با آیت‌الله مصطفی اشرفی‌شاهرودی

از درس قانون اساسی تا درس خارج موضوعی

لا

آیت‌الله اشرفی‌شاهرودی در مشهد متولد شده است، مقدمات را شاهرود و مشهد و دروس عالی را در محضر امام و آیت‌الله خویی در نجف گذارنده است. او در سال ۶۳ به مشهد بازگشت و سال‌هاست که به تدریس خارج فقه و اصول و رجال می‌پردازد. استاد صریح‌اللهجه حوزه علمیه مشهد که ارتباط خوبی با تشکیلات پزشکی دارد، مسائل مستحدثه پزشکی را در دروس خود مطرح کرده است و اساتید جوان را نیز به موضوع‌شناسی فرامی‌خواند.

دشمنی استعماری و بی‌فکری خودی‌ها

بیش از صدسال است که استعمارگران علیه اسلام فعالیت می‌کنند و دشمنی‌های برخواسته از تفکرات استعماری انگلستان و آمریکا، امروز در اسلام و به‌ویژه شیعه متمرکز شده است. امروزه از راه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، تبلیغاتی، معارفی و غیره ما را محدود و تحریم کرده‌اند و درصدد براندازی نظام شیعی هستند. متأسفانه مذاهب اسلامی و امت عربی دیگر کاری با اسرائیل ندارند و وهابیت هم تلاشش را برای نابودی مذهب شیعه و این انقلاب شیعی متمرکز کرده است.

یکی از بهانه‌های آنان، سخنان این آخوندی است که در آمریکا نشسته و به همه مقدسات اهل سنت اهانت می‌کند. این آخوند را آن‌جا مسلط کرده‌اند تا آذانه شیعه را همان‌گونه که خود می‌خواهند معرفی کند! و به اعتقادات اهل سنت اهانت کند تا با شنیدن این حرف‌ها قتل شیعه را جایز بدانند! این در حالی است که ما معتقدیم زنان پیامبر، امهات مؤمنین هستند و باید مقامشان محفوظ باشد. البته نقاط ضعفی هم در برخی مداحان ما وجود دارد و سخنان غلوآمیزی را مطرح می‌کنند؛ من واقعا از مداحان عزیز خواهش می‌کنم حتما اشعارشان را با علما در میان بگذارند تا مداحی‌های ما از دایره شرع و معارف دین خارج نشود.

روحانی نمی‌تواند ضد انقلاب باشد

این انقلاب، انقلاب فرهنگ و مبتنی بر فرهنگ اسلامی بوده است و هیچ آخوندی هم با فرهنگ اسلام معارضه ندارد. مصلحت دین و دنیای روحانیت در ترویج مذهب و انقلاب است و در حقیقت، روحانیت نمی‌تواند ضد انقلاب باشد. حالا اگر مدرسی هم

بر سر درسش انتقادی مطرح کرد، نباید زیاد اهمیت داد؛ باید سعی کنیم همه را به این نظام دل‌گرم کنیم و انتقادات را نیز صمیمانه و دوستانه پاسخ دهیم. مخالف‌ترین روحانیان هم اگر بفهمند که نظام در خدمت دین است، قطعاً مدافع نظام خواهند بود. اوایل انقلاب و در زمان امام (ره) روزی به یکی از شخصیت‌های بزرگ این شهر که شدیداً هم با نظام زاویه داشت گفتم فلانی سؤالی از تو دارم که می‌خواهم به دور از تعصبات فکر کنی و جواب بدهی؛ بگو اگر این نظام از بین برود، بهتر می‌شود یا بدتر؟ مدتی فکر کرد و گفت بدتر می‌شود! گفتم شیخنا! بر فرض هم که این نظام فاسد باشد، چگونه عقل به شما اجازه می‌دهد که دفع فاسد به افسد کنید؟! چرا کمی فکر نمی‌کنید؟!

درس قانون اساسی

باید قانون اساسی را در همان دروس مقدماتی بگنجانیم و آن‌را کاملاً برای طلاب تفهیم کنیم و این به نظر من بسیار ضروری است. یعنی کسی که وارد حوزه می‌شود، باید یکی از درس‌هایش متن قانون اساسی کشور باشد؛ چون قانون اساسی جمهوری اسلامی، واقعا یک قانون اساسی مترقی و کامل است و آگاهی از آن برای همه طلاب ضرورت دارد. طلاب باید نقش شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت و قوای کشور را بدانند. وقتی طلبه‌ای که به دنبال علوم دینی آمده است، با این قانون اساسی آشنا شود، خود به خود با نظام هماهنگ خواهد شد و مدافع این کشور و این نظام خواهد بود و اگر هم انتقادی بکند، انتقاد به اجرا نشدن اصول قانون اساسی خواهد بود.

ارتباط حاکمان با علما

مسئله مهمی که در تعامل حوزه‌های

علمیه با نظام اسلامی دخیل است، ارتباط بزرگان سیاسی کشور با علما است. من این‌را به برخی رؤسای جمهور گذشته هم گفتم که برای حوزه چه کردید؟ آیا آن‌قدر که به دانشگاه بها دادید، به حوزه هم توجه کردید؟ چرا با علما در ارتباط نبودید؟ البته در دوره‌ای دولت می‌خواست برای حوزویان حقوق دولتی معین کند که امام رحمت‌الله علیه اجازه نداد. حق با امام بود و افتخار روحانیت شیعه هم به استقلال آن‌ها از تشکیلات دولتی است. راه‌های خدمت به حوزه زیاد است؛ رهبر انقلاب حفظه‌الله با اساتید دانشگاه، جلسات فکری برگزار می‌کنند که توقع داریم با مدرسان عالی حوزه مشهد هم چنین جلساتی را داشته باشند و نظرات آن‌ها را هم بشنوند.

انقلاب اسلامی؛ نتیجه ۱۴۰۰ سال تلاش شیعه

انقلاب اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی نتیجه ۱۴۰۰ سال تلاش علما و «یا حسین» گفتن‌های مردم بوده است. علما و روحانیت در طول این چهارده قرن، پاسدار دین و مذهب و معارف آن بوده‌اند و امروز هم همین حوزه است که می‌تواند این نظام را حفظ کند. رهبری و خبرگان از حوزه برآمده‌اند و روحانیت باید این تشکیلات را حفظ کنند.

بعضی مسئولان بالاخره حقوقی می‌گیرند و مقداری هم کار می‌کنند؛ اما حوزه دغدغه حفظ نظام و کشور و مذهب را دارد و دلش برای نظام اسلامی که ۱۴۰۰ سال برایش زحمت کشیده شده است می‌سوزد. اگر دین نبود، بسیجی‌ها این‌گونه برای دفاع از وطن بسیج نمی‌شدند و اگر تأثیر نفس آن مرد بزرگ نبود، چنین تحولی در مردم ایجاد نمی‌شد.

طلبه و عشق به نظام

تعامل باید طرفینی باشد؛ بزرگان نظام باید جایگاه حوزه را در نظر بگیرند و برای آن اهمیت قائل شوند. طلبه باید به نظام دلگرم باشد و بداند که فعالیتش برای نظام اسلامی ارزشمند است. پول مسئله‌ای نیست؛ چون اعتقاد و گرایش قلبی را نمی‌توان با پول فراهم کرد.

بگذاریم عشق به نظام و عشق به وطن در دل طلاب ایجاد شود. این‌ها باعث تعاطف و دلگرمی مدرسان خواهد شد و پشتوانه‌های نظام را بیشتر خواهد کرد.

حوزه و حل معضلات فقهی نظام

ما در اجرای حدود، قصاص، دیات و غیره با مشکلات بسیار زیادی مواجه هستیم و بسیاری از آن‌ها معطل مانده است. در پزشکی با صدها مسئله مواجه هستیم که پیش از این اصلاً مطرح نبوده است؛ نظیر مرگ مغزی، پیوند اعضا، تغییر جنسیت و غیره. در مسائل سیاسی و احکام حکومتی هم همین‌طور است و چون مبتلا به نبوده است، فقها نیز به دنبال حل این مسائل نرفته‌اند. اما پاسخ به این سؤالات هم به سادگی میسر نیست و مستلزم کار و جلسات متعدد است. در یک کنگره پزشکی که در مشهد برگزار شده بود، به یک‌باره با سؤالی مواجه شدیم که حکم ایجاد بانک کلیه که طی آن مجبوریم جنازه را مدت‌ها نگه داریم، چیست؟ این وظیفه حوزه علمیه است که چنین مسائلی را حل کند؛ اما فقیه نمی‌تواند فی‌المجلس به آن پاسخ و حکمی را به خدا نسبت دهد؛ چون چنین موضوعی تا به حال مطرح نبوده است. این مسائل نیازمند بررسی‌های دقیق فقهی است.

دروس خارج و حل مسائل جدید

جای حل این مسائل در همین درس‌های خارج است؛ بنده به سهم خودم شروع کرده‌ام و در طول هفته یکی دو جلسه را به مسائل مستحدثه اختصاص داده‌ام و اساتید دیگری هم در قم چنین دروسی را دارند. حدود بیست جلسه در باب تغییر جنسیت و چهل جلسه در موضوع پیوند اعضا داشته‌ایم. این دروس باید کم‌کم در حوزه شروع شود که البته این‌ها موضوعات آسانی نیست؛ باید موضوع‌شناسی شود و کار فراوانی را هم می‌طلبد. بنابراین بهتر است اساتید جوان‌تر که می‌توانند فرصت بیشتری را به این کار اختصاص دهند، مباحث تخصصی را شروع کنند و به موضوع‌شناسی بپردازند.